

داکتر عبدالرحمن زمانی

پیشکش یک قسمت بزرگ خاک افغانستان توسط سردار محمد نادر خان به انگلیس ها (به رویت اسناد آرشیف محرمانه استخبارات انگلیس)

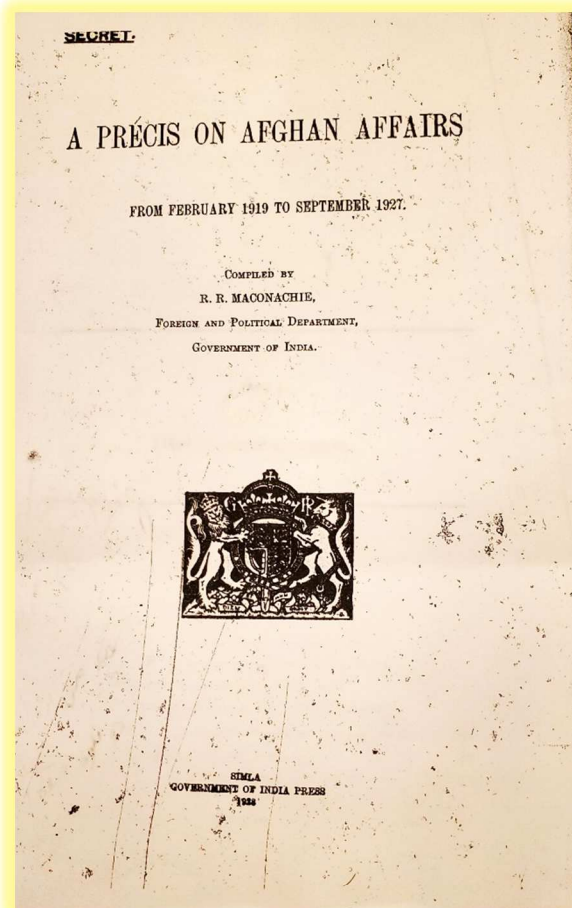
سپه سالار محمد نادر خان وزیر حربیه رژیم امانی بعد از آنکه در دوران اغتشاش جنوبی بحیث سفیر افغانستان به فرانسه فرستاده شد، از سال ۱۹۲۴ تا آنکه در خزان سال ۱۹۲۶ از پست سفارت استعفا داد و جهت تدای توبرکلوز به سویس رفت، در پاریس بود. « هاشم خان در روسیه سفیر بود ولی همزمان [با استعفای سردار نادر خان] به تهران تبدیل شد. وی میخواست قبل از احراز و ضیفه جدیدش به کابل برود اما امان الله خان اجازه نداد، ولی به وی رخصت داد تا برای دیدن نادر خان به سویس برود. در لندن، انگلیس ها با فعالیت های این خانواده، که آنرا بنام نادر و کمپنی یاد می کردند، علاقه نشان میدادند». (ریه تالی ستیوارت، آتش در افغانستان ۱۹۱۴-۱۹۲۹، صفحه ۳۰۵).

در این جا توجه خوانندگان عزیز را به یکی از اسناد مهم آرشیف محرمانه استخبارات انگلیس جلب میکنم که از محرمت برآمده است، تا خود بخوانند و قضاوت کنند:

سردار محمد نادر خان به تاریخ ۱۰ ماه جنوری ۱۹۲۶ در ملاقات با "رابرت هوجسن"، سفیر انگستان در مسکو، که مصروف دیدار از فرانسه بود، خواست به او فرصت داده شود تا نظریات خود را با «کسی که از اعتماد دفتر هند بریتانوی برخوردار باشد» طرح کند. نظریات او راجع به پیوستگی بیشتر به بریتانیا و مخالفت با روسیه بود. او گفت که وی و برادرش محمد هاشم خان، سفیر در مسکو، درین رابطه هم نظر بوده و فکر میکنند که بزودی از آنها خواهند خواست به کابل برگردند. او علاوه کرد «من فکر میکنم موجودیت ما در کابل ضروریست. من در نظر

دارم از تمام امکانات برای تفاهم با بریتانیای کبیر استفاده کنم، من تنها ضمانت آزادی کشورم را [؟] درین میبینم.» سپه سالار محمد نادر خان گفت که «ترتیب دوستانه مسئله حدود سرحدات، برای سرحد طبیعی، قدرتمندانه کمک خواهد کرد بسیاری از علل اختلافات را از بین برد.» او درین رابطه پیشنهاد کرد دریای کنر بحیث سرحد

طبیعی افغانستان و هند بریتانوی شناخته شود و قسمت بزرگی از خاک کنر تحت قلمرو



to be effective for the purpose.

In January 1926 S. Nadir Khan told Sir R. Hodgson that 'he would like to see the eastern boundary between India and Afghanistan formed by the Kunar river'.⁴ It was suggested at the time that, if this conversation was to be regarded seriously at all, the offer of a large block of Afghan soil might have been intended to secure British support for some projected coup d'état.⁹

¹Tel. 460 (7-3-1927) from G. of I. to S. of S. (F. 388-F, 1925, 128).

²Kabul tel. 36 (16-3-1927 (ibid., 129).

³Tel. 876 (21-3-1927), from S. of S., to Viceroy (ibid., 130).

⁴Tel. 1119 (15-4-1927), from S. of S., to Viceroy (ibid., 137).

⁵Kabul tel. 77 (26-5-1927) (A. S. XXI, 24-A).

⁶Memo. 483 (18-3-1924), from Res. Waz. to Wazforce (A. S. XIII, 275).

⁷Kabul memo. 228 (28-4-1924) (A. S. XIV, 195).

⁸Paris despatch 90 (14-1-1926) (A. S. XIX, 226).

⁹D. O. letter (31-5-1926), from Sir D. Bray, to I. O. (ibid., n. p. 6).

انگلیس ها قرار گیرد. او گفت که «میخواهد سرحد شرقی افغانستان با هند بریتانوی دریای کنر باشد».

انگلیس ها در آن زمان تبصره کردند که اگر این گفته سپه سالار محمد نادرخان جدی باشد، پیشکش یک قسمت بزرگی از خاک افغانستان شاید کوششی باشد برای کسب حمایت بریتانیا در رابطه با یک کودتای پیش بینی شده .

منابع :

1. اسناد محرمانه آرشیف لندن، خلاصه راپور های مربوط به افغانستان از فبروری ۱۹۱۹ تا سپتمبر ۱۹۲۷، تهیه شده توسط ریچارد رای میکوناچی. L/P&S/20/B285
2. Stewart, Rhea Talley (2000). Fire in Afghanistan, 1914-1929; faith-The First Opening to the West Undone by Tribal Ferocity Years Before the Taliban. Second Edition, originally published by Doubleday. ترجمه یار محمد کوهسار، ص ۲۰۵.